



۱

الف. درست

ب. نادرست

پ. درست

(نکته: تنها گزینه ای از فعل مضارع که با (ن) تمام می شود، ولی مثنی و جمع نیست، بلکه مفرد است، همین گزینه دوم شخص مفرد و مونث است.

۲

الذَّهَبُ: الوقت مثله

الأمهات: الجنة تحت أقدامهنَّ

اللسان: بلاء الإنسان فيه

۳

الف. عملت

ب. أبحثُ

پ. نصف الدين

ت. الجهل

ث. أكلت

۴

الف. آشکار و واضح

ب. خواندن / متن های ساده

پ. خدمت کردند

ت. می فهمی [متوجه می شوی] / روایات ساده

ث. مخفی کند (پوشاند / پنهان کند)

۵

الف. گزینه ۴

ب. گزینه ۳

پ. گزینه ۲

ت. گزینه ۲

۶

الف. خوب

ب. قرمز / می نویسم

پ. می روی / می روم

ت. دوم / وارد شدم [رفتم]

ث. قبول کردی / عمل می کنی

۷

الف. أنا أقرأ كتاباً

ب. نَعَمْ، أنا أصنع كرسيّاً

۸

---	یاد کردم	أَذْكُرُ	یاد می کنم
---	پرسیدم	أَسْأَلُ	می پرسم
---	اجازه دادی	تَسْمَحِينَ	اجازه می دهی
نَجَحْتُ	موفق شدی	----	موفق می شوی
فَهَمْتُ	فهمید	----	می فهمد
فَهَمْتُ	فهمیدی		می فهمی

نکته مهم: فعل مضارع در دوم شخص مفرد مذکر و سوم شخص مفرد مونث کاملاً شبیه یکدیگرند. [مانند فعل: تَفْهَمُ] و هنگام تبدیل آن به ماضی باید مراقب باشیم که هر دو فعل میتواند پاسخ سؤال باشد. [فَهَمْتُ / فَهَمْتُ]

۹

عَدَاوَة (دشمنی) # صَدَاقَة (دوستی)

عَالِم (دانا) # جَاهِل (نادان)

صَغِير (کوچک) # كَبِير (بزرگ)

أَمْسِ (دیروز) # غَدًا (فردا)

۱۰

الف. علم [آموزی] در کودکی مانند نقش روی سنگ است [هیچگاه از بین نمی رود].

ب. و ما از آب هر چیز زنده را قرار دادیم [و در بعضی ترجمه ها: و ما از آب هر چیز را زنده قرار دادیم]

پ. هر چیزی راهی دارد و راه بهشت، علم و دانش است.

ت. علم برتر از عبادت است.

ث. زکات دانش به انتشار [و ترویج و انتقال آن به دیگران] است.